روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۶ ■ اول صفر ۱۴۳۹ ■ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۲۸۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۸ سال و ۳۱۷ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2286 ■ Sat.Oct.21,2017 ■ ISSN:2008-2886

سرلشکر باقری در حلب:

عمر تروریست‌ها به سر رسیده است

صفحه ۲

به مناسبت سومین سالروز عروج آیت‌الله مهدوی کنی

سیاستمداری زیر سایه خدا

همین صفحه

هم‌آوازی

سران آلمان، فرانسه و انگلیس در نشست اتحادیه‌اروپا خواستار افزایش فشار به ایران در حوزه‌های موشکی و منطقه‌ای شدند

صفحه ۲

سران فرانسه، انگلیس و آلمان در حاشیه نشست اتحادیه اروپایی در بروکسل

تیترهای امروز

وزیر صنعت، معدن و تجارت:

سازمان حمایت بازار را کنترل کند

صفحه ۳

پیام قدردانی فرمانده سپاه از مردم

صفحه ۲

نهایی شدن تفاهمنامه‌ها برای اجرای پیمان دوجانبه و اتصال سوییچ ملی ۲ کشور

دلار از مبادلات ایران و ترکیه حذف شد

صفحه ۳

فارغ‌التحصیلان دانشگاه نفت درباره استخدام دختر یک نماینده مجلس بیانیه دادند

دانش‌آموختگان دکترای نفت بیکار هستند

صفحه ۳

آیا روزگار خوش قاچاقچیان تلفن همراه پایان می‌یابد؟

آغاز رجیستری موبایل

صفحه ۳

روایت

شرحی کوتاه بر یک روایت تاریخی

چه زمانی در ولایت‌پذیری مردود می‌شویم؟

■ فرهاد ملامینی* ■

در روایتی آمده است مأمون رقّی نقل می‌کند: خدمت حضرت صادق علیه‌السلام بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شده، سلام کرده، نشست. عرض کرد: یابن رسول‌الله! چقدر شما رئوف و مهربان هستید. شما امام هستید، چرا دفاع از حق خود نمی‌کنید با اینکه بیش از ۱۰۰ هزار شیعه شمشیر زن دارید. فرمود: بنشین خراسانی، خدا جانب تو را رعایت کند.

به کنیزی به نام حنیفه فرمود تنور را بیفروزد. تنور افروخته شد چنانکه یکپارچه آتش شد و قسمت بالای آن سفید شد. بعد رو به مرد خراسانی کرده، فرمود: برو بنشین داخل تنور. خراسانی با التماس گفت یابن رسول‌الله! مرا به آتش مسوزان. از جرم من درگذر، خدا از تو بگذرد. فرمود: تو را بخشیدم.

در همین موقع هارون مکی وارد شد، یک کفش خود را با انگشت گرفته بود. عرض کرد: السلام علیک یابن رسول‌الله! امام فرمود: نعلین را از دست بینداز برو داخل تنور بنشین. نعلین را انداخت و داخل تنور نشست. امام شروع کرد با خراسانی به صحبت کردن از جریان‌های خراسان مثل اینکه در خراسان بوده. بعد فرمود: خراسانی برو ببین در تنور چه خبر است. به جانب تنور رفت دید چهارزانو در تنور نشسته. از تنور خارج شد و به ما سلام کرد. امام علیه‌السلام فرمود: از اینها در خراسان چند نفر پیدا می‌شود؟

عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم نیست، نه به خدا یک نفر پیدا نمی‌شود. فرمود: ما در زمانی که ۵ نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد. ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می‌دانیم.[1]

آنچه در این روایت اهمیت دارد زمان مردود شدن مرد خراسانی است. همگان می‌اندیشیدند او زمانی مردود شد که داخل در آتش نشد، در حالی که اینطور نیست اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله‌علیها پادشاهان ملک سخن هستند و با هرکس به اندازه فهم او سخن می‌گویند. حال اگر جواب امام صادق(ع) را واکاوی کنیم به نکات جالبی می‌رسیم. مرد خراسانی از امام می‌خواهند تا ایشان دست به قیام بزنند ولی امام از او می‌خواهند در تنور روشن برود؛ آیا این جواب می‌تواند مناسب کسی باشد که چنین پیشنهادی می‌دهد؟

ادامه در صفحه ۵

عاشورا، مذاکره یا مقاومت؟

■ سمیرا کریمشاهی ■

نگاه

۲ سال ابتدایی دولت یازدهم بحث مذاکره و تعامل با دنیا به محوریت آمریکا داغ بود. تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران روزهای پرکاری برای رسیدن به توافق داشت. در روزهایی که گوشزد می‌شد کلید حل مشکلات کشور در وین و نیویورک نیست اما جست‌وجو برای یافتن راه‌حل رفع تمام مشکلات‌مان، به مذاکره برای رفع تحریم‌ها ختم شد. در این بین دیدارهای مکرر با مقامات آمریکایی و بعضا مذاکره در حال پیاده‌روی وزرای‌خارجه ۲ کشور واکنش‌های متفاوتی را در داخل کشور به دنبال داشت؛ عده‌ای سرمست از این نمایش، اکثریتی نگران و گروهی در سکوت!

اما دولت و در رأس آن رئیس‌جمهور سعی داشتند مذاکره حتی با کسی را که سال‌هاست با عنوان دشمن از آن یاد می‌شود امری معقولانه و موجه جلوه دهند و چه راهی بهتر از اینکه برای جا انداختن این موضوع از عقاید مردم استفاده شود.

سال ۹۳ دکتر روحانی در جمع مردم زنجان حادثه کربلا را مصداقی برای مذاکره با دشمنان دانست و گفت: «درس کربلا، درس تعامل سازنده و مذاکره در چارچوب منطق و موازین است. در شب تاسوعایی که شما مردم زنجان بزرگ‌ترین مراسم گرامیداشت را برای آن برگزار می‌کنید به طوری که مایه افتخار و غرور همه ایرانیان است، امام حسین(ع) خیمه‌ای برپا کرد و عمر سعد را به مذاکره دعوت کرد».

روحانی سعی داشت با قرار دادن واژه مذاکره در کنار یک شخصیت مهم دینی که مردم حساسیت فراوانی نسبت به آن حضرت دارند، اقدامات دولت را الگوگیری و پیروی از امامان قلمداد کند تا ردای مشروعیت‌بخشی به تن مذاکرات و گفت‌وگو با آمریکا برود.

اما این سخنان واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشت که مهم‌ترین آن حدودا یک‌سال بعد، مهرماه سال ۹۴ از سوی رهبری بیان شد؛ ایشان نسبت دادن مذاکره با دشمنان به ائمه(ع) را نشان از سهل‌اندیشی و نرسیدن به عمق مساله دانستند: «مذاکره امروزی یعنی معامله، یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر. امیرالمؤمنین با زبیر معامله می‌کرد که یک چیزی بده، یک چیزی بگیر؟ امام حسین با ابن‌سعد معامله می‌کرد که یک چیزی بده یا یک چیزی بگیر؟ تاریخ را این‌جور می‌فهمید؟ زندگی ائمه را این‌جور تحلیل می‌کنید؟»

اما تحلیل‌های تاریخی روحانی به اقدامات امامان معصوم ختم نشد، به عنوان مثال رمضان امسال، رئیس‌جمهور در جمع اصحاب رسانه قسم جلاله خورد که راهی جز اعتدال نیست و برای اثبات گفته خود مدعی می‌شود امام خمینی با اعتدال انقلاب را به پیروزی رساند.

این روزها اقدامات کاخ‌سفید بیش از پیش ثابت کرده دشمنان قسم‌خورده ایران نه اعتدال و نه تعامل و گفت‌وگو سرشان می‌شود و نتیجه روی خوش نشان دادن به آنها این شد که ما را صادرکننده خشونت و ترور بنامند و اعمال تحریم، عادت آمریکایی‌ها شود.

ادامه در صفحه ۵

تحولات مهم منطقه و آزمون بزرگ حسن روحانی

■ مصطفی نجفی ■

دیدگاه

کمتر کسی گمان می‌کرد با حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید، تحولات منطقه جنوب غرب آسیا با این شتاب عجیب و غریب به پیش رود. بسیاری از کارشناسان این گمان را می‌بردند که رکود وقایع در این منطقه، از جبهه‌های جنگ تا میزهای سیاست‌ورزی و دیپلماسی، خاکستری است که زیر آن آتش گداخته‌ای نهفته شده اما قطعا به این نتیجه نرسیده بودند که تغییر و تحولات به این گستردگی و با این شتاب آن هم پس از سفر کوتاه ترامپ به عربستان آغاز شود و به پیش برود.

در این میان تحلیلی وجود دارد که می‌گوید آمریکا در بازی قدرت منطقه تلاش می‌کند در غالب یک سه‌ضلعی به نوعی با مدیریت تغییرات و تحولات، شرایط را به نفع خود ساماندهی کند و به اهداف اصلی و اساسی خود برسد. ضلع اول این تحولات عربستان سعودی است که به صورت تام و تمام آنچه را مد نظر استراتژیست‌های آمریکایی است پیاده می‌کند. ضلع دوم خود آمریکاست که طی ماه‌های گذشته حضور خود در منطقه را تقویت کرده و ضلع سوم هم جمهوری اسلامی ایران است که گوش به فرمان آمریکا نیست اما ایالات متحده تلاش می‌کند با فشارهای سیاسی مانند آنچه در برجام اتفاق افتاد و آنچه درباره سپاه و فعالیت‌های موشکی رقم خورده، ایران را به مسیر دلخواه خود هدایت کند. در ادامه هر کدام از این سه ضلع تشریح می‌شود.

■ **ضلع اول: عربستان سعودی**

چند ماهی بود تحولات دربار سعودی و حاکمیت این کشور چشم رسانه‌ها را به ریاض دوخته بود و هر آن انتظار وقوع اتفاقی جدید در آن می‌رفت. روزی محمد بن‌سلمان ارتقا می‌گرفت و روز دیگر تعدادی از شاهزاده‌ها و کارکنان و منصوبان پادشاه قبلی اخراج، تعلیق و حتی بازداشت می‌شدند، روزی خبر خرید چند صد میلیون دلار تسلیحات جدید منتشر می‌شد و روز دیگر اخباری همچون آزاد شدن رانندگی برای زنان!

در این ماه‌ها آنقدر تحولات مرکز فرماندهی تروریست‌های منطقه غرب آسیا سریع و پرشتاب بوده که حتی خیلی‌ها از اخبار و تحلیل‌ها جا ماندند. کارشناسان اما منتظر ند نتیجه این وقایع را در معادلات منطقه‌ای و در هنگامه درگیری با دیگر مولفه‌های قدرت ببینند. قدرت‌نمایی شاهزاده جوان و جویای نامی که حالا هم ولیعهد است و هم وزیر دفاع و هم دارای حمایت ویژه از سوی رئیس‌جمهوری آمریکا، در کنار اقداماتی از جنس آزادی‌های اجتماعی برای مدیریت افکار عمومی و تسلیح ۴۰۰ میلیارد دلاری ارتش، همگی نشانه‌ای از فرارسیدن روزهای آخر است، روزهایی که قرار است میوه همه این هزینه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و جابه‌جاشدن‌ها چیده شود تا شاید اگر بتوانند کام تلخ آمریکا و شیوخ شکست‌خورده در سوریه، عراق و یمن را اندکی شیرین کنند.

■ **ضلع دوم: حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه**

دوران ریاست جمهوری اوباما هرچند با وقایع ریشه‌داری مانند پدید آمدن داعش و...

ادامه در صفحه ۵

دل‌نوشت

همه رسیدند به شعار همیشگی

مرگ بر آمریکا

■ حسین قدیانی ■

به‌واسطه حضور مؤثرتر سپاه و مشخصا «سپاه قدس» در منطقه علیه تروریست‌ها، می‌توان ادعا کرد پاسداران انقلاب اسلامی، هرگز تا این حد، جهانی نشده بودند! فی‌الحال اغلب مردم دنیا حتی آمریکایی‌های ذله از دست رئیس‌جمهور حقیقتا خل‌وچل‌شان، سپاه و سرداران و سربازان غرورآفرین آن را «مهم‌ترین کابوس تروریست‌ها» می‌خوانند! از قضا، ناسزاهای ترامپ علیه سپاه، ناظر بر اذعان جهانیان به عدم تعادل روانی نفر اول کاخ سفید، کارکردی جز محبوب‌تر کردن سپاه ندارد! در همین کشور خودمان، دیوانه‌بازی‌های ترامپ، کاری کرده که حتی فلان دولتمرد و بهمان عنصر سیاسی هم که تا پیش از این، ابایی از تخریب سپاه و دستاوردهایش نداشتند، سخن در مدح پاسداران انقلاب اسلامی بگویند و درباره سپاه، عوض سخن درشت، درست سخن بگویند! اینها همه خدمات ناخواسته ترامپ است به یکی از مهم‌ترین نهادهای انقلاب اسلامی! آری! دنیایی که «قاسم سلیمانی» را نماد، بلکه اسطوره مبارزه شبانه‌روز و زیرکانه با تروریست‌ها می‌داند، هرگز نمی‌پذیرد سپاه، در ردیف گروهک‌های خون‌ریزی چون «داعش» تعریف شود! صدالبته هم‌صدایی با ترامپ در تخریب سپاه و فی‌المثل ایراد سخن علیه موشک‌های آن، مایه رسوایی دیروز و امروز هر سیاستمدار زنده و مرده‌ای است! من متن سخنرانی ترامپ را مطالعه کردم! تمام دست‌وپازدن‌های رئیس‌جمهور آمریکا، برای این بود که به مردم ایران بگوید «من، شما را دوست دارم اما به این شرط که شما، سپاه را دوست نداشته باشید»! البته ترامپ بی‌عقل، نکرد برای این هدف مسخره خود، لااقل اتهام «تروریسم» را فقط به دولت ایران ببندد! او نه‌تنها انگشت اشاره برخی درشت‌گویی‌های خود را رسما و علنا به طرف «ملت ایران» گرفت، بلکه به جای «خلیج فارس» همان را گفت که نباید! و طرفه حکایت اینجاست که با این دست‌فرمان، توقع داشت مردم ایران، او را دشمن ندانند! و سخنانش را از سر دشمنی نخوانند! ترامپ، همان نمرود است و همان فرعون اما از نوع بی‌عقل‌شان! بهتر بگویم؛ بی‌عقل‌ترشان! چرا که نمرود هم اگر عاقل بود، اقلا سردشدن آتش بر ابراهیم را دال بر این می‌گرفت که سیم دومین پیامبر اولوالعزم، عجیب به خدا وصل است!

ادامه در صفحه ۵

سیاستمداری زیر سایه خدا

وطن

امروز مصادف با سالگرد ارتحال آیت‌الله مهدوی‌کنی است و واقعا ناسپاسی است اگر یادشان گرامی داشته نشود، چرا که قبل، حین و بعد از انقلاب، شما هیچ مقطعی را پیدا نمی‌کنی، الا آنکه ایشان حقیقتا به تکلیف، عمل کرده باشد! و «تکلیف» همان امری است که «خدا» بر دوش آدمی می‌گذارد! اینکه بعضا مشاهده می‌شود بعضی‌ها خود و خاندان خود را از قانون و نتیجه انتخابات، اسلام و ایران و انقلاب، بزرگ‌تر می‌دیده و می‌بینند و بر اساس همین شیفتگی نفس هم عمل می‌کنند، انجام «تکالیف نفسانی» است، نه «تکالیف الهی»! مرحوم مهدوی اما با آنکه به معنای درست کلمه «رجل» بودند و از وادی مبارزه گرفته تا میدان علم، انصافا برای خود، کسی بودند، لکن همیشه خود را و رجلیت خود را ذیل خداوند تعریف می‌کردند به این معنی که باید دید خدا از ما چه می‌خواهد! و حرکت دائم بر این مدار، البته «مرد» می‌خواهد که آیت‌الله عزیز ما مصداق مسلم آن بود! سیاستمداری که نه مقطعی، بلکه دائم در خدمت خدا بود و اهداف انقلاب اسلامی! مرحوم مهدوی ثابت کرد سیاست می‌تواند پدر و مادر هم داشته باشد! و سیاستمدار هم می‌تواند مهذب باشد! همه دیدیم در مقاطعی با اینکه ایشان مقام شیخوخیت و بزرگی داشت اما جایی اگر امور برخلاف خواست ایشان پیش رفت، هرگز قهر نکرد و هرگز خود را بزرگ‌تر از اهداف عالیه، مجسم نکرد! ایشان سیاستمداری بود که خوب می‌دانست در سیاست، قرار نیست همیشه، همه چیز مطلوب آدمی باشد! حرکت عاقلانه در همه مراحل و نوعی آهستگی و پیوستگی البته انقلابی و غیرمحافظه‌کارانه، از جمله مشخصه‌های سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی بود! و اینکه تکلیف و نتیجه را و آرمان و واقعیت را با هم بخواهند! مرحوم مهدوی هرگز داعیه‌دار «خط امام» نشد اما هرگز از «خط امام» جدا نشد! عمری سیاست‌ورزی کرد لکن حتی یک‌بار، این اذن را به دشمن نداد که ضمن سوءاستفاده از فلان گفتار یا بهمان رفتارش، انقلاب را تخریب کند! چرا؟! چون «عمار فقید انقلاب» رفتار و گفتار خداترس داشت! ترس از خدا اگر باشد، دیگر به این راحتی‌ها نمی‌توانی دروغ علیه ۴۰ میلیون رأی بگویی! اینکه آیت‌الله مهدوی تا لحظه آخر، پای امام و انقلاب و رهبر انقلاب و خون شهدای این مردم ماند و به بهانه سیاست‌ورزی، وارد وادی براندازی و شاخ و شانه کشیدن‌های سرگشاده نشد، از برای همین خداترسی ایشان بود و الا، آن بزرگمرد بزرگوار، از همه آن فتنه‌گرها و این جوجه‌فتنه‌گرها، هم بزرگ‌تر بود، هم صاحبنظرتر و هم صاحب‌محضرتر! آری! آیت‌الله مهدوی نشان داد دوستی و همراهی با ولایت فقیه و سربازی برای ولی فقیه، به ادعا نیست؛ حتی به سابقه هم نیست! و البته فراموش نکنیم که ایشان خود از «السابقون» بود! اما از آن السابقونی که «حال فعلی» را هم مراقب بودند! از اینها گذشته، کم نبود مراحل و مقاطعی که دوستان انقلابی، خیلی متوجه راز و رمز هشدارهای ایشان نشدند اما برای آن سیاستمدار خداترس، مواردی از این دست، اصلا و ابدا بهانه گوشه‌گیری نشد!

ادامه در صفحه ۵